

تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دولت یازدهم: (خوانشی بر واکنش عربستان به آن)

رضا علی اکبرپور^۱
گارینه کشیشیان سیرکی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۳

۲۲۷



چکیده

تغییر معادلات قدرت در سطح جهانی بر تغییر ماهیت سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه، تأثیری بسزا داشته و در سال‌های بعد از ۲۰۱۳ و در نتیجه انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس جمهور ایران، قدرت نرم به طور رسمی در دستور کار تهران قرار گرفت، اما این امر، در سطح منطقه‌ای با واکنش قدرت‌های منطقه و به طور خاص عربستان سعودی روبرو شد. در همین راستا، مسأله قابل طرح در مقاله حاضر این است که «به‌کارگیری قدرت نرم در سیاست منطقه‌ای ایران در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در قالب چه مؤلفه‌هایی طرح و واکنش‌های عربستان به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران به این تحول مفهومی قدرت ایران چه بوده است؟» عربستان سعودی در ابتدای امر در برابر قدرت نرم دولت روحانی رویکردی مثبت نشان داد، اما به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در آمریکا از یک سو و بحث آتش‌زدن سفارت این کشور در تهران به عواملی برای تقابل همه‌جانبه این کشور با سیاست خارجی دولت روحانی در منطقه تبدیل شد. در نتیجه شاهد هستیم که عربستان مجموعه‌ای همراه با فشارهای ترامپ علیه ایران، تقابل نیابتی با ایران در یمن، سوریه، عراق و بحرین و نیز تلاش برای ایجاد ائتلاف «ناتو عربی» را برای تضعیف قدرت نرم دولت روحانی به کار گرفته است.

واژگان کلیدی: قدرت سخت، قدرت نرم، تغییر معادلات، خاورمیانه، دیپلماسی عمومی.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

از ابتدای وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ تا کنون که بیش از چهار دهه سپری می‌شود، تحولی بزرگ در ساختار و مفهوم قدرت در سیاست خارجی کشورها پدیدار شده است. اگر در گذشته کانون تمرکز قدرت بر مبنای قدرت نظامی و توانایی نیروهای ارتش یک کشور معطوف بود و یک کشور سیاست منطقه‌ای خود را از طریق اعمال قدرت سخت پی‌گیری می‌کرد، در نتیجه رخداد جهانی شدن دیگر این سطح از قدرت که به شکل عینی اعمال می‌شد، جایگاه و اهمیت‌اش کم‌رنگ‌تر شد.

در نتیجه تحولات موسوم به جهانی شدن در اعمال قدرت منطقه‌ای یک کشور، به تدریج مسائلی همچون قدرت اقتناعی، قدرت دیپلماسی، وجهه بین‌المللی و در نهایت جنگ سایبری و اطلاعاتی در مقام مؤلفه‌های جدید قدرت مطرح شدند که اصطلاحاً از آن به عنوان قدرت نرم یاد شد. در نتیجه این تحولات نیز ماهیت قدرت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با دگرگونی‌های بزرگی همراه شده است. در حقیقت، با توجه به تأثیرات جهانی شدن بر تغییر حوزه‌های قدرت، ایران نیز در عرصه سیاست منطقه‌ای ناگزیر باید سطحی از هماهنگی و انطباق را با این ساختار ایجاد می‌کرد؛ هر چند که ایران از همان ابتدای انقلاب اسلامی با قدرت نرم ناآشنا نبوده و از همان قدرت نرم برای صدور انقلاب و یافتن راه ارتباطی با سایر کشورها بهره‌جسته است.

در عرصه تحولات جدید نیز با روی کار آمدن دولت یازدهم، گفتمان اعتدال‌گرایی در مقام رویکرد حاکم بر سیاست خارجی ایران پدیدار شد. مهم‌ترین شاخص گفتمان اعتدال‌گرایی در سیاست خارجی را می‌توان تعادل و توازن بین دو عنصر اساسی واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی یا به بیان دیگر واقع‌بینی و آرمان‌خواهی تلقی و تعریف کرد. در واقع، افزایش تحریم‌های بین‌المللی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن موجب شد گفتمان‌های رقیب اصولگرایی با دستورکار «تغییر»، انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ را فرصت مناسبی برای به حاشیه راندن گفتمان اصولگرایان قلمداد کنند. در این راستا، دولت یازدهم در پی تلقی دو عنصر «رفع تهدید» و «کسب منفعت» به‌عنوان ویژگی‌های سیاست خارجی خوب که همان سیاست خارجی توسعه‌گرا است، اقدام

نمودند. لذا اعتدال‌گرایی دغدغه‌های ایدئولوژیک را «مانع» اتخاذ چنین سیاست خارجی توصیف می‌کند. رئیس دولت اعتدال نیز ضمن تعبیر اعتدال به «آرمان‌خواهی واقع‌بینانه»، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی را نه تسلیم، ستیز و تقابل، بلکه تعامل مؤثر و سازنده با جهان عنوان نمود.

با تمام این اوصاف، سیاست خارجی دولت یازدهم را می‌توان در قالب قدرت نرم مورد خوانش قرار داد. از دل بسط این قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران است که با واکنش‌هایی از سوی عربستان سعودی نسبت به رفتار ایران مواجه می‌شویم. پرداختن به این مسائل دغدغه نوشتار حاضر را شکل می‌دهد. در مقام تحلیل نیز ترکیبی از قدرت سخت و نرم متأثر از فضای جهانی شدن و نیل به قدرت هوشمند در عرصه سیاست منطقه‌ای نیز به کار گرفته شده و بر همین مبنا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «به‌کارگیری قدرت نرم در سیاست منطقه‌ای ایران در دوران دولت یازدهم در قالب چه مؤلفه‌هایی طرح شده و واکنش‌های عربستان به عنوان مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران به این تحول قدرت ایران چه بوده است؟» در پرداختن به این مسأله به کارگیری قدرت نرم در سیاست منطقه‌ای ایران طی سال‌های بعد از ۱۳۹۲ پیرامون مسائل اصلی ایران در منطقه خاورمیانه واکاوی و بررسی شده است.

۱. چارچوب نظری

نظریات مرتبط با قدرت امروزه از انعطاف مفهومی و تحلیلی زیادی برخوردارند، چرا که از تصلب اولیه خود تا پیش از دهه ۱۹۹۰ یعنی دوران طرح ایده پیش از جهانی شدن فاصله زیادی گرفته و دیگر به مثابه فهم سخت از قدرت دیده نمی‌شوند. امروزه، نظریات قدرت علاوه بر نگاه سخت به قدرت، از طیفی از نظریات، سخت، نرم و هوشمند نیز برخوردارند. این طیف از نظریات زمینه را برای تنوع و انعطاف نظری و تحلیلی هم برای سیاسیون و هم برای تحلیل‌گران عرصه روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و مسائل مرتبط با دولت و حکومت‌داری فراهم کرده‌اند. در ادامه به بررسی روندهای قدرت از سخت به نرم پرداخته می‌شود تا آنچه را اولاً انعطاف نظریات قدرت بیان شد،

نشان داده؛ ثانیاً مبانی نظری لازم جهت نوشتار حاضر را به شکل بررسی نقش جهانی شدن بر تحول مفهوم قدرت به سمت نرم و سپس هوشمند استخراج نماییم.

۱-۱. قدرت سخت

در اندیشه سیاسی کلاسیک، از نظریه قدرت در اشکال مختلفی تعبیر و یاد شده است (ورنر، ۱۳۶۰: ۲۲). قدرت سخت با ارباب، دیگران را به انجام خواسته خود مجبور می‌سازد. از راهبردهای قدرت سخت در دیپلماسی، مداخله نظامی و تحریم‌های اقتصادی برای به اجرا درآوردن منافع ملی است (عالم، ۱۳۷۶: ۸۹). مورگنتا که به‌عنوان پدر رئالیسم کلاسیک تعبیر می‌شود، هدف نهایی همه دولت‌های ملی را کسب، افزایش و نمایش قدرت می‌داند، وی اهداف نهایی سیاست بین‌الملل را قدرت دانسته که کشمکش برای قدرت در زمان و مکان، گستردگی جهانی دارد (Morgenthau, 1973). براین اساس، قدرت ملی عبارت از میزان توانایی‌ها و منابع مادی اعم از نظامی و اقتصادی، در دسترس یک کشور که برای اعمال نفوذ و تأثیرگذاری بر دیگر بازیگران بین‌المللی ضرورت دارد.

۱-۲. خوانش نرم از قدرت

جوزف نای که یکی از مطرح‌ترین صاحب‌نظران قدرت نرم است معتقد است که رویکرد به قدرت نرم در تعارض کامل با قدرت سخت که در آن تسخیرکردن از طریق نیروی نظامی و قوه قهریه حرف اول را می‌زند، قرار دارد. در تعریف نای از قدرت، این اصطلاح از مفاهیم اصلی علم سیاست است که به معنای توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی است، به‌طور کلی قدرت به معنی توانایی نفوذ در رفتار دیگران برای گرفتن نتیجه مطلوب است. راه‌های متعددی برای این تأثیرگذاری وجود دارد مانند تهدید، متقاعد کردن از طریق پرداخت مالی یا جذب دیگران و همکاری با آنها (نای، ۱۳۸۷: ۲۴). به عبارت دیگر، نای معتقد است آنچه وی با عنوان قدرت نرم درباره آن سخن گفته، در حقیقت راه غیرمستقیم دستیابی به خواسته‌ها می‌باشد، راهی که در آن از تهدید و سیاست چماق و هویج خبری نیست.

(نای، ۱۳۸۷: ۲۴) البته، با گذشت زمان تعاریف و تفاسیر مختلفی درباره قدرت نرم به عمل آمد و حتی خود نای نیز بعدها بر وسعت و پیچیدگی تعریف قدرت نرم تأکید کرد (Nye, 2006).

۳-۱. فهم هوشمند از قدرت

مفهوم قدرت هوشمند به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات به کار برده می‌شود. قدرت هوشمند اصطلاحی بود که جوزف نای در سال ۲۰۰۳ پیشنهاد داد تا آن را در برابر این باور اشتباه قرار دهد که قدرت نرم به تنهایی نمی‌تواند راهنمای سیاست خارجی مؤثر باشد. همچنین در سال ۲۰۰۷، او به همراه ریچارد آرمیتاژ، معاون سابق وزارت خارجه آمریکا، ریاست کمیسیون دو حزبی را در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی برعهده داشت که در جهت شناساندن مفهوم قدرت هوشمند تشکیل شده بود (Wilson, 2004).

نای در کتاب «The Powers to Lead» مدعی است رهبران موفق در آینده کسانی هستند که مهارت به‌کارگیری دو قدرت را به‌صورت هوشمند داشته باشند. طبعاً مخاطبان اصلی قدرت را دولت‌ها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای حکومتی تشکیل می‌دهند، زمانی که قدرت ماهیتی پیچیده پیدا کند، هر یک از بازیگران و ابزارهای یادشده نیز باید چنین وضعیتی پیدا کنند (Nye, 2004: 124). به همان‌گونه که اشکال و ابزارهای قدرت نیز در وضعیت تغییر، بازسازی و بهینه‌سازی قرار می‌گیرند، می‌توان قدرت هوشمند را به‌عنوان شکل تکامل‌یافته مؤلفه‌ها و موضوعات قدرت سیاسی و استراتژیک در نظر گرفت. هر یک از این مؤلفه‌ها می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار با دیگران داشته باشند (Hinen, 2008: 28).

۴-۱. تأثیرات جهانی شدن بر تحول مفهوم قدرت

روندهای امروزی و تغییرات در مسائل سیاسی، آثار درخور ملاحظه‌ای بر منابع و سرشت قدرت ایجادکننده آن دارد. با عنایت به تغییرات در عرصه سیاست جهانی، مشاهده می‌شود که توسل به قدرت دست‌کم در میان کشورهای بزرگ سرشت اجبارآمیز

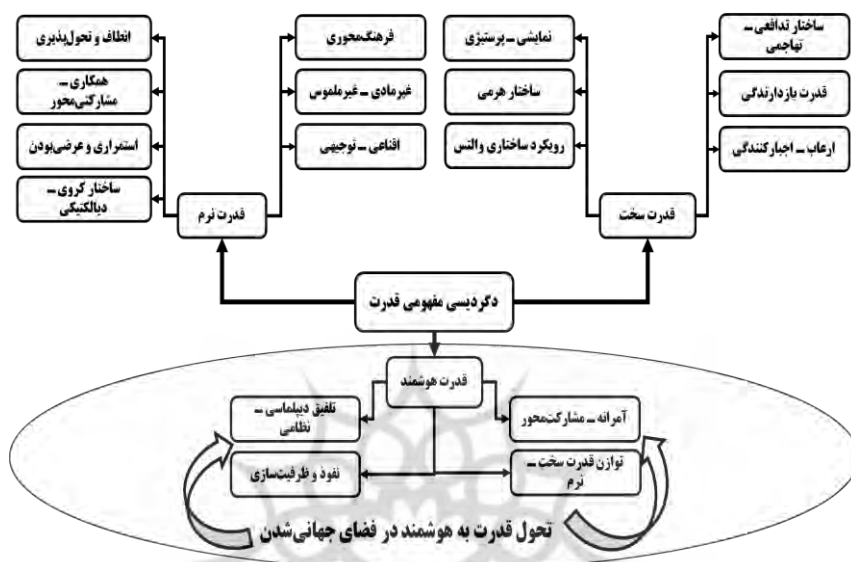


کمتری پیدا می‌کند (خرمشاد و متقی، ۱۳۹۵). در اینجا جنبه غیر ملموس قدرت اهمیت دارند. منابع جدید قدرت، هم‌چون توانایی ایجاد ارتباطات مؤثر و ایجاد بهره‌هایی از نهادهای چندجانبه احتمالاً نقش مهم‌تری در این میان خواهند داشت. هر چند منابع سنتی قدرت، هم‌چون کمک اقتصادی و نیروهای نظامی، قادرند به حل مسائل جهانی شدن؛ هم‌چون تروریسم، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و گروه‌های رادیکال و افراطی شبه‌نظامی کمک کنند، اما با این حال توانایی هر قدرت بزرگ در کنترل محیط پیرامونی و دستیابی به اهدافش، چندان بالا نیست و نشانه‌های مربوط به قدرت از نوع سخت اغلب در تحقق این اهداف کارایی چندانی ندارد. سرشت در حال تغییر سیاست نیز سبب اهمیت بیشتر اشکال غیرملموس قدرت شده است (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۰ - ۱۳۲).

در جهان امروز، انقلاب فراگیر جهانی، شکل‌ها، قالب‌ها و نیز ساخت‌ها و بنیان‌های قدرت را تحت تأثیر قرار داده است. تحولی که بیانگر مفهومی نو از قدرتی است که در آن هنجارهای قدرت نرم با منابع قدرت سخت ترکیب شده و قدرت هوشمند را به وجود می‌آورند که نقش مؤثری در اعمال قدرت دارد. حضور فعال در عرصه روابط بین‌المللی و منطقه‌ای در کنار ارتباط میان ملت‌ها و دولت‌ها در سطوح سیاسی و فرهنگی از شاخص‌های قدرت متحول شده ناشی از جهانی شدن است که می‌تواند نمادی دیگر از گسترش جهانی شدن جهان تلقی گردد. (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۲)

یکی دیگر از پیامدهای جهانی شدن بر قدرت را می‌بایست در طرح دیپلماسی عمومی در عصر جهانی شدن فرهنگ دانست. با عنایت به اینکه مدیریت افکار عمومی، یکی از وظایف سیاست خارجی ایران در چارچوب قدرت نرم است، ضرورت بحث از دیپلماسی عمومی را می‌توان ناشی از تحول جهانی شدن بر قدرت دانست. دیپلماسی عمومی رویکردی است که می‌تواند با اتخاذ روش‌های نرم و به دور از خشونت، افکار عمومی را مدیریت کند. جمهوری اسلامی به تناسب جایگاه و توانایی خود دارای میزانی از قدرت نرم، در کنار قدرت سخت است. این فاکتور متحول قدرت در عصر جهانی شدن برای جمهوری اسلامی خود را در قدرت رسانه‌ای برون‌مرزی، تلاش برای پیوندهای فرهنگی با جامعه جهانی، تقویت روابط ملت - ملت، تلاش برای نیل به پیوندهای ارزشی - فرهنگی با مردمان سایر کشورها دانست (جوادی ارجمند، ۱۳۹۲).

تحول از قدرت سخت به نرم و پس از آن به مرور زمان به سمت قدرت هوشمند در فضای جهانی شدن در این نوشتار به شکل ذیل است:



منبع: نگارنده

با عنایت به شکل بالا، هدف خوانش سیاست منطقه‌ای ایران در دوران دولت یازدهم با توجه به تحول مفهوم قدرت در عصر جهانی شدن به سمت هوشمندسازی آن است. در عین حال، در این مقاله خوانشی بر رویکرد و واکنش عربستان نسبت به این تحول قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران خواهیم داشت. لذا، حرکت به سمت قدرت هوشمند متأثر از جهانی شدن در چارچوب این نوشتار مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲. تحول قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دولت روحانی

تأمین منافع ملی در گفتمان اعتدال‌گرایی متضمن و مستلزم آن است که بین قدرت نظامی و دیپلماسی در قالب دیپلماسی دفاعی کنش‌مند توازن و تعادل برقرار گردد. لذا در وضعیت هوشمندسازی قدرت، به‌کارگیری متوازن و متعادل هر دو ابزار دیپلماسی و قدرت نظامی یا اقتناع و آمریت که بر همان مبانی خوانش سخت و نرم از قدرت قرار

دارد، لازم و ضروری است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۲). به این دلیل که، در مدل قدرت سخت، قدرت در چارچوب «آمریت» معنا می‌یابد؛ درحالی‌که قدرت نرم با عنصر «اقتناع» تعریف می‌شود (پورحسن، ۱۳۹۶).

در خصوص قدرت سخت یا نظامی، رئیس دولت اعتدال در گرامی‌داشت روز ارتش سال ۱۳۹۶ اعلام کرده بود؛ «دولت یازدهم مفتخر است که از روز اول یکی از اهداف بلندش تقویت قدرت دفاعی جمهوری اسلامی ایران بوده است. آمار و ارقام نشان می‌دهد که در دولت یازدهم بودجه بنیه دفاعی نسبت به آغاز این دولت ۱۴۵ درصد رشد داشته است و این به آن معناست که در شرایط سخت اقتصادی کشور، اهتمام دولت به تقویت بیشتر نیروهای مسلح بوده است» (ایرنا، ۲۹ فروردین ۱۳۹۶). این بدان معناست که در این دولت، وجه سخت و نظامی قدرت به خوبی مورد فهم و درونی‌گذاری قرار گرفت و در عین حال از لزوم تقویت جایگاه آن در کنار قدرت نرم توجه شده است.

در بعد قدرت نرم نیز، جمهوری اسلامی در گفتمان اعتدال بر اهمیت و لزوم قدرت نرم در زمینه‌های مختلف با عنایت به حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید دارد. تأکید بر ابعاد پیوندهای فرهنگی، حضور مثبت و مؤثر در مجامع بین‌المللی، تأکید بر نفوذ نرم در کشورهای دیگر، ایجاد پیوندهای فرهنگی با جهان بیرون و خصوصاً لایه‌های فرهنگی هم‌پوشان چون جهان اسلام و جهان تشیع از مهم‌ترین اولویت‌های دولت اعتدال‌گرا بوده است. تأکید بر تنش‌زدایی، ایجاد زمینه‌های تقویت‌کننده گفت‌وگو و دیپلماسی نیز از مهم‌ترین دستورکارهای نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی، خصوصاً با تأکید بر لایه منطقه‌ای است (افضلی، ذکی و دشتی، ۱۳۹۷). مؤلفه‌های آمریت - اقتناع، دیپلماسی - نظامی‌گری، قدرت سخت - نرم و نفوذ - ظرفیت‌سازی اصلی‌ترین نمودهای عینی و بیرونی نظریه قدرت هوشمند هستند. در ادامه و بر مبنای مؤلفه‌های مذکور و به شکل درهم‌کنشی آن‌ها به بررسی روندهای قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دوران دولت یازدهم و در پیوند با ۴ کشور، مسأله مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

۱-۲. قدرت هوشمند (نرم و سخت) ایران در عراق

الف) سیاست منطقه‌ای ایران در عراق با توجه به اشتراک مذهبی از منظر نفوذ و ظرفیت‌سازی

قدرت نرم فرهنگی ایران در عراق از ابعاد و زمینه‌های گسترده‌ای برخوردار است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به وجود مؤلفه اشتراک مذهبی شیعه به‌عنوان محور برقراری ارتباط ایران با جریان‌های شیعی اشاره کرد. چنانکه دو شهر قم در ایران و نجف در عراق مراکز آموزش‌های شیعی هستند که هر دو دارای حوزه‌های علمیه مهم می‌باشند و تبادلات و تعاملات فرهنگی و مذهبی میان آن‌ها از اهمیت اساسی در روابط دوکشور برخوردار است (صادقی و عسگرخانی، ۱۳۹۰: ۹۳۸). در سال‌های اخیر و در دولت روحانی، یکی از مهم‌ترین مسائلی که مورد توجه قرار گرفته، گردهمایی سالانه اربعین است. لذا در دیپلماسی عمومی و هوشمند ایران در قبال عراق، کشوری که بعد از ایران دومین جمعیت بزرگ شیعه در خاورمیانه را دارد، روابط دینی نقش مهمی را ایفا می‌کند. هر سال بیش از دو میلیون شیعه ایرانی، در کربلا برای زیارت اربعین جمع می‌شوند. صرف‌مقیاس این رویداد (که بزرگ‌ترین سفر زیارتی سالانه در دنیا محسوب می‌شود)، زمینه‌ساز تبادل میان زائران ایرانی و عراقی است. کنفرانسی با مدیریت مشترک دانشگاه علامه طباطبایی تهران و دانشگاه کربلا نیز هر سال کارشناسان و محققان را برای ثبت این رویداد، بررسی نقش آن در فرهنگ عراق، و بحث در مورد چگونگی استفاده از آن برای ارتقای میانه‌روی مذهبی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گرد هم جمع می‌کند. (Elias, 8 January 2019)

ب) جغرافیایی فرهنگی مشترک با عراق و دیپلماسی عمومی در چارچوب کردها
دومین محور نفوذ فرهنگی ایران در عراق را می‌توان در ارتباط با اشتراک فرهنگی در چارچوب جغرافیای فرهنگی تاریخی مشترک میان ایران و عراق، با تأکید و تمرکز بر کردهای این کشور با ایرانیان ارزیابی کرد. در دوران نوین و در ذیل گفتمان اعتدال‌گرایی، بهره‌گیری از این پیوند فرهنگی در چارچوب جغرافیای فرهنگی امروز به خوبی مورد بهره‌برداری ایران قرار گرفته است. ایران در تیر ۱۳۹۸، اجازه بازگشت مظهر خالقی، هنرمند کرد ایرانی ساکن سلیمانیه را پس از ۳۸ سال به ایران داد. این بازگشت

نیز در چارچوب سیاست نفوذ فرهنگی ایران در میان کردها به شکل کلی و کردهای اقلیم به شکل خاص و در چارچوب کنگره مشاهیر کرد در سندج انجام گرفت. در عین حال، در همین دوران، ایران به بازسازی روابط خود با کردهای اقلیم که با روندهایی از تنش پس از فراندوم استقلال ۲۰۱۷ کردستان همراه شده بود، اقدام نمود. در عین حال و در چارچوب قدرت سخت ایران نیز و نمایش آن به کردها، ایران در سال‌های اخیر و خصوصاً در سال ۱۳۹۷، به مقرر حزب دموکرات کردستان ایران که یک حزب معاند است در شهرستان کویه در اقلیم کردستان عراق، حملاتی موشکی نمود (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۷ شهریور ۱۳۹۷)، تا نشان دهد که در عین نفوذ نرم میان آن‌ها، از اقتدار سخت و نظامی علیه هرگونه اقدام کردها علیه امنیت ملی خود، غافل نیست.

ج) مناسبات اقتصادی ایران و عراق در چارچوب سیاست منطقه‌ای ایران

یکی دیگر از محورهای قدرت نرم ایران در عراق بعد از ۲۰۰۳ که می‌توان از آن به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت هوشمند ایران در عراق یاد کرد در ارتباط با پیوندهای اقتصادی و صادرات محصولات تجاری تهران به کشور عراق است. در حوزه صادرات نیز، مبادلات اقتصادی دو کشور همواره روند صعودی را طی کرده است چنانکه حجم صادرات غیرنفتی ایران در سال ۲۰۱۴ (۱۳۹۳) به بیش از ۶ میلیارد دلار رسید. در حال حاضر نیز توافقات متعددی در زمینه‌های نفت، ارتباطات، تولید برق، گمرکی، حمل و نقل و ترانزیت، راه آهن، استاندارد، همکاری‌های صنعتی و بیمه‌ای، سرمایه‌گذاری در تجارت و گردشگری بین مقامات عالی رتبه دو کشور به امضا رسیده است که طبق برآوردها می‌توانست سهم ایران از کل صادرات به کشور عراق را به حدود ۲۰ درصد در سال ۲۰۱۷ برساند. این روند در سال‌های آینده و با توجه به نیاز این کشور به بازسازی می‌تواند بهبود یابد. به گفته ابراهیم رضازاده رایزن بازرگانی ایران در بغداد، ایران و چین در این ۱۵ سال از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۷ با ۱۳ و ۱۲ درصد، دومین و سومین شریک تجاری عراق محسوب شده‌اند و ایران به‌طور متوسط ۱۰ تا ۱۵ درصد از سهم بازار وارداتی عراق را به خود اختصاص داده است (سایت سازمان توسعه تجارت ایران www.tpo.ir).

د) قدرت سخت ایران در عراق در چارچوب مناسبات مستشاری و حشد الشعبی

علاوه بر محورهای قدرت نرم ایران در کشور عراق، بهره‌گیری از قدرت سخت یا حضور نظامی یکی دیگر از ابعادی است که برای تکمیل پروسه هوشمندسازی قدرت ایران در این کشور ضروری به نظر می‌رسد. این عرصه به ویژه زمانی مجال عرضه اندام پیدا کرد که گروه تروریستی داعش موفق شد بیش از یک سوم سرزمین عراق را به کنترل خود در آورد. (سلیمی و زرین‌نرگس، ۲۶ خرداد ۱۳۹۳: دوهفته‌نامه دیار کهن). چنانکه کنترل موصل، دومین شهر بزرگ عراق توسط داعش در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ و متعاقب آن پیشروی داعش به سمت بغداد از یک سو و اربیل از سوی دیگر، کل مجموعه کشور عراق را با تهدید امنیتی جدی مواجه نمود. در آگوست همان سال نیز، علاوه بر مناطق تحت کنترل حکومت مرکزی، داعش آماده حمله به کردستان عراق شد، مخمور را تصرف کرده و اربیل را تهدید کرد. هر چند ایالات متحده با حملات هوایی اربیل را حفظ نمود و سلاح‌هایی برای پیشمرگه‌ها تدارک دید اما کردها خود را در مرزی به طول ۱۰۵۰ کیلومتر با داعش دیدند (Phillips, 2015: 4). همین مسأله موجب شد در شرایطی که هم اربیل و بغداد در خطر سقوط قرار داشتند خواهان حمایت و کمک ایران شوند. در این ارتباط امیر عبداللهیان معاون سابق عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه ایران تأکید می‌کند: «وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با درک درست از ماهیت گروه تروریستی داعش و اهداف حامیان آن، اولین کشوری بود که به درخواست کمک دولت عراق و مقام‌های اقلیم کردستان در مقابله با داعش پاسخ مثبت داد (عبداللهیان، ۱۴ مرداد ۱۳۹۴).

براین اساس از همان ابتدای بحران عراق، جمهوری اسلامی ایران با محوریت سپاه قدس کمک‌های مستشاری به این کشور را در دستور کار خود قرار داد و باعث آزادسازی مناطق راهبردی عراق مانند «آمرلی» و «جرف الصخر» شد. در طی این عملیات‌ها، چندین مشاور از صفوف حزب الله و سپاه پاسداران در خط مقدم عملیات جرف الصخر و آمرلی به عنوان فرمانده حضور داشتند (Abdul-Zahra & Vivian, 2014). علاوه بر این، در سطحی دیگر، نیروی قدس نقش بزرگی را در ایجاد، مدیریت و بسط قدرت نیروهای حشد الشعبی به عنوان کلید پیروزی عراقی‌ها در برابر داعش

داشت. به طور کلی، می توان حضور نظامی و مستشاری نیروهای قدس سپاه ایران در کشور عراق در دوران بعد از ظهور داعش را به عنوان یکی از مهم ترین موارد پیشبرد قدرت هوشمند ایران ارزیابی کرد. در این شرایط ایران به این درک رسیده بود که تهران برای کمک به شریک منطقه ای خود و نیز حفظ منافع خود در این کشور، علاوه بر بهره گیری از مؤلفه های قدرت نرم به شکل صریح از قدرت سخت و توان نظامی و مستشاری خود نیز بهره بگیرد (Cooper, 2015).

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مؤلفه ها
قدرت نرم	شیعیان و کردهای شیعه مذهب و توسعه مناسبت های مذهبی	تقویت و تمرکز بر اشتراکات مذهبی
قدرت نرم	ریشه های مشترک زبانی و نژادی کردها با ایرانیان	تمرکز بر حوزه اشتراکات فرهنگی
قدرت نرم	تلاش برای در هم تنیده کردن مناسبات اقتصادی و افزایش سطح صادرات	توسعه مناسبات اقتصادی
قدرت سخت	همکاری با ارتش و نیروهای حشدالشعبی و پیشمرگه ها در مقابله با داعش	حضور مستشاری نظامی و حمایت از نیروهای حشد الشعبی

قدرت هوشمند دولت یازدهم در کشور عراق (۱۳۹۲-۱۳۹۸)

۲-۲. دیپلماسی هوشمند (سخت و نرم) ایران نسبت به تحولات سوریه در دولت روحانی

الف) حمایت از اسد و ظرفیت سازی و نفوذ ایران در این کشور و رسیدن به مدیریتانه

در مورد حمایت ایران از نظام سوریه، مخالفین ایران مدعی اند که ایران در مورد سوریه بر خلاف سیاست خارجی خود که از جمله مبارزه با مستکبرین و یاری مستضعفین می باشد رفتار کرده است. جمهوری اسلامی ایران، در پاسخ به انتقادات فوق به این نکته

اشاره می‌کند که در سوریه برخلاف بحرین که اکثریت مردم با رژیم آن کشور مخالفانند و فقط اقلیتی ضعیف حامی دولت می‌باشند؛ موضوع کاملاً عکس می‌باشد و اکثریت مردم از دولت سوریه پشتیبانی می‌نمایند و مخالفین را اقلیتی از گروه‌هایی مانند القاعده و اخوان المسلمین، با گرایش‌های سلفی تشکیل می‌دهند که در شهرهای مرزی مستقر بوده و از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت‌های خارجی برخوردارند (عسگرخانی و تقی، ۱۳۹۵).

مسئله نفوذ استراتژیک کشور در سوریه و تلاش ایران برای حفظ آن نیز، یکی دیگر از استدلال‌های حمایت ایران از دولت اسد است. از لحاظ ژئوپلیتیک نیز به این نکته اشاره می‌شود که اینک عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است. بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. بنابراین، حمایت ایران از دولت قانونی و مستقر سوریه در طول سال‌های جنگ داخلی این کشور، از نقش حیاتی برای بقای او برخوردار بوده است. دیپلمات‌ها در دمشق بر این باور هستند که ایران حضور خود در سوریه را تقویت نموده است و هدف آن برافزایش نفوذ در پرکردن شکاف‌ها میان رژیم اسد و روسیه به‌عنوان دیگر بازیگر کلیدی در بحران سوریه است تا بتواند ابزاری برای این کشور در گفت‌وگوهای صلح باشد. به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که «هرگونه تلاش غیردموکراتیک برای حذف اسد منجر به نسل‌کشی علوی‌ها و شیعیان در سوریه و کاهش نفوذ ایران می‌شود که این موضوعی نیست که ما خواهان آن باشیم، آن هم به هر قیمتی که برای ما داشته باشد» (Bozorgmehr, APRIL 16, 2016).

ب) مسئله حمایت از محور مقاومت و حضور نظامی در سوریه

حضور و مشارکت سوریه در راهبرد منطقه‌ای ایران که با عنوان محور مقاومت متشکل از خط اتصال نیروهای مخالف تجاوزگری اسرائیل در منطقه شامل حزب الله لبنان، سوریه، عراق و ایران نمایان شده است را باید در یک پروسه تاریخی حمایت از آرمان آزادی فلسطین و در راستای تخاصم چندین دهه‌ای این کشور با اسرائیل بازخوانی کرد که در طی آن جمهوری اسلامی ایران توانست با حمایت‌های معنوی و مادی خود باعث ایجاد نزدیکی بیشتر دمشق - تهران شده تا از این طریق ایران بتواند با ایجاد رابطه پایدار با سوریه هم‌زمان در دو جهت فعالیت کند؛ از یکطرف می‌توانست خط اتصالی

بین تهران و حزب الله ترسیم کند و از طرف دیگر می‌توانست مستقیماً به کنترل تحرکات اسرائیل در راستای حفظ امنیت خود پردازد (Shapira, 1988: 122).

در نتیجه این روند، جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای بحران سوریه به درخواست کمک دولت سوریه (در راستای توافق‌نامه همکاری‌های دفاعی ۲۰۰۶) و به منظور مبارزه با تروریسم کارشناسان نظامی خود را در قالب مستشار نظامی به آن کشور اعزام کرد که این وظیفه به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار داده شد و نیروهایی از نیروی قدس راهی آن کشور شدند تا در مسائل نظامی راهنمای ارتش سوریه باشند. (Seeberg, 2012) به طور کلی، حضور نظامی مستشاری و مستقیم ایران در بحران سوریه بخشی جدایی‌ناپذیر از هوشمندسازی قدرت ایران برای حفظ و توسعه نفوذ و ظرفیت منطقه‌ای خود می‌باشد. نتیجه این رویکرد جریان تحولات کشور سوریه بعد از سال ۲۰۱۶ تاکنون نیز به وضوح قابل مشاهده است. در واقع، پیروزی‌های میدانی و غلبه نیروهای حکومت مرکزی بر جریان‌های تروریستی نشان‌دهنده صحت راهبرد ایران در بهره‌گیری از قدرت سخت و نرم در کنار هم و به شکل هوشمند می‌باشد که توانسته به نفع محور مقاومت عمل نموده و یک حلقه مواصلاتی استراتژیک برای این محور با حضور در سوریه، علیه اسرائیل و دشمنان ایران و محور مقاومت ایجاد کند.

ج) شیعیان سوریه و دیپلماسی سیاسی - فرهنگی ایران در این کشور برای خروج از بحران

ایران هم‌چنین با تمام قوا با هرگونه مداخله طرف خارجی در امور داخلی سوریه مخالف بوده و تلاش کرده است با رایزنی و مذاکره با دیگر حامیان سوریه، نظیر چین و روسیه، مانع از دخالت قدرت خارجی در تحولات داخلی سوریه شود. ایران هم‌چنین، هرگونه عملیات مسلحانه در داخل سوریه را رد می‌کند، از گفت‌وگوهای طرف‌های مختلف سوری حمایت می‌کند و بارها نیز تلاش کرده است تا آن دسته از مخالفان سوری که مخالف دخالت خارجی در سوریه هستند را در تهران گرد هم آورد تا بدین ترتیب به صورت طبیعی درباره آینده سوریه با نظام حاکم بر این کشور گفت‌وگو کنند.

در وضعیت کنونی و خصوصاً در دولت دوم روحانی یعنی از حدود سه سال گذشته به این سو، با تشدید تنش میان غرب و ترکیه بر سر مسائل مرتبط با بحران سوریه، آنکارا به شدت به ایران و روسیه در خصوص بحران سوریه نزدیک شده است. این نزدیکی

باعث شده تا نشست‌های سه‌جانبه‌ای میان این سه کشور در پایتخت‌های مختلف آن‌ها برگزار شود. (خبرگزاری اسپوتنیک، ۲۰۱۸/۱۲/۱۷) امید نیل به یک رویکرد دیپلماتیک با محوریت ایران و کشورهای مذکور برای برون‌رفت از بحران سوریه، باعث شده تا ایران مرحله جدیدی از دیپلماسی فرهنگی و سیاسی را در سوریه پیش برد. اما آنچه مسلم است، وحدت رفتاری به شکل نظامی - سیاسی در رفتار ایران در قبال سوریه است که جایگاه و اهمیت راهبردی ایران در تحولات جاری و آتی سوریه را برای نظام داخلی این کشور، تحت رهبری اسد، بازیگران منطقه‌ای چون ترکیه و عربستان و نیز قطر و در عین حال، بازیگران مهم فرامنطقه‌ای چون اتحادیه اروپا به سردمداری آلمان، بریتانیا و فرانسه، آمریکا و نیز روسیه برجسته نموده است. همه این کشورها می‌دانند که هیچ اقدامی مرتبط با سوریه در اشکال مختلف، بدون ایران امکان‌پذیر نیست، حتی اگر در وضعیت کاملاً متناقض، روسیه نیز بر علیه سوریه به اروپا یا غرب نزدیک شود. یعنی روسیه نیز قادر به غفلت از منافع ایران در سوریه نیست.

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مؤلفه‌ها
قدرت سخت	حمایت نظامی و مستشاری از حکومت مرکزی در برابر تروریست‌ها	حمایت همه‌جانبه از حکومت بشار اسد و انتقال نفوذ ایران به مدیترانه
قدرت سخت	تقویت نیروهای حاضر در محور مقاومت در نزدیکی مرزهای اسرائیل	حمایت از محور مقاومت
قدرت نرم	توسعه و بسط ارزش‌های فرهنگی تشیع میان شهروندان سوری	تمرکز بر دیپلماسی سیاسی - فرهنگی
قدرت نرم	تمرکز بر همکاری با شیعیان علوی و ایجاد همکاری بر اساس تهدید مشترک	ایجاد پیوند میان ناسیونالیسم عربی و هویت ایرانی اسلامی

قدرت هوشمند دولت روحانی در کشور سوریه (۱۳۹۲-۱۳۹۸)

۳-۲. دیپلماسی هوشمند (سخت و نرم) ایران در قبال بحران یمن در سال‌های بعد از ۱۳۹۲

الف) پیوندهای فرهنگی ایران و شیعیان یمن و مسأله نفوذ ایران و محور مقاومت طبق آمارهای سازمان سیا در آمریکا، در سال ۲۰۱۰ در حدود ۳۵ درصد از جمعیت ۲۶ میلیون نفری یمن را شیعیان و ۶۵ درصد را سنیان تشکیل می‌دادند. در آخرین آمارهای رسمی از همین پایگاه اطلاعاتی در سال ۲۰۱۶، جمعیت یمن ۲۷،۳۹۲،۷۷۹ نفر بوده است که از این میزان، ۹۹/۱ درصد مسلمان بوده و از جمعیت مسلمان نیز ۶۵ درصد آن‌ها سنی و ۳۵ درصد نیز شیعه هستند. (CIA.GOV, 2016 and Islamic web) مسأله کلیدی نفوذ و جایگاه ایران در یمن در پیوند با محور مقاومت و شیعیان این کشور، در قالب حوثی‌هاست. باید به نفوذ گسترده معنوی ایران نیز در میان شیعیان زیدی، به‌ویژه جنبش حوثی‌ها اشاره کرد که نگرانی‌های عربستان سعودی و آمریکا را برانگیخته است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن به ویژه جنبش حوثی‌ها عمیق است و در میان آن‌ها تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود است. (نجات و دیگران: ۱۳۹۵: ۱۶۷) مبانی ایدئولوژیک و نقش‌آفرینی فعال جمهوری اسلامی ایران در بحران یمن، بسترهای لازم برای کنش‌گری هویت‌بخش و بقامحور کشور را به وجود می‌آورد. بنابراین، یمن را باید در زمره کشورهای دانست که به دلیل وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن؛ هم‌چنین قرار گرفتن در ژئوپلیتیک بیداری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای جهت حفظ نفوذ ایران در منطقه و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار است.

ب) حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، سخت و نظامی

یمن از سال ۲۰۰۴ درگیر ناآرامی‌هایی بوده است که در آن شیعیان زیدالحوثی ذی‌نقش بوده‌اند. این ناآرامی‌ها در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ گسترده‌تر شد و با رسوخ به عربستان و استان سعدا به دخالت نظامی عربستان منجر گردید. این گمان وجود داشت که شیعیان زیدی از جانب ایران پشتیبانی می‌شوند. تقابل فرقه‌ای شیعیان زیدی با سنی‌های سلفی در ژانویه ۲۰۱۲ نیز گزارش شد. به‌رغم این ویژگی، شیعیان زیدی ملهم از

تحولات دیگر کشورها خود را درکنار سایر معترضین سیاسی قراردادند. حوثی‌ها به تدریج نفوذ بیشتری یافتند و توازن قدرت را در یمن برهم زدند و روایت حاکم از نظم سیاسی را به چالش کشیدند (International Crisis Group, 10 June 2014). در این میان، آن‌ها به حمایت نظامی و مشاوره‌ای ایران نیز نیاز داشتند.

در این فضا، تغییرات سیاسی در یمن که به نسبت ناآرامی‌های دیگر کشورهای منطقه، کم هزینه و کم تلفات بوده، ممکن است پایگاه‌های نفوذ جمهوری اسلامی ایران و قدرت هوشمند ایران، حتی شکل سخت از آن را در این کشور به نحوی گسترش دهد که زمینه سازی دگرگونی در نقشه سیاسی و استراتژیک کل منطقه را به وجود آورد. در سالهای گذشته همواره این احتمال وجود داشته است که یمن به افغانستانی دیگر بدل شود و حمایت ایران از حوثی‌ها، این کشور را در مواجهه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دهد و بدین ترتیب علاوه بر برنامه هسته‌ای، دلمشغولی مهمی از حیث آینده منطقه از ناحیه ایران برای غرب مطرح شود (Nayef, Herd and Watanabe, 2011: 3).

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مؤلفه‌ها
قدرت نرم	ترویج اشتراکات فرهنگی و ارزش‌های انقلابی میان شیعیان	پیوندهای فرهنگی با شیعیان یمن
قدرت سخت	حمایت نظامی و مستشاری به شیعیان در نبرد با دولت منصور هادی	حمایت از حوثی‌ها در چارچوب آمریت، سخت و نظامی
قدرت نرم	حمایت از شهروندان جنگ زده و قربانیان تجاوزات ائتلاف عربی	کمک بشردوستانه به مردم یمن

قدرت هوشمند دولت روحانی در کشور یمن (۱۳۹۲-۱۳۹۸)

۴-۲. تحول قدرت هوشمند (نرم و سخت) ایران در قبال عربستان سعودی در دولت

روحانی

الف) قدرت نرم و دیپلماسی عمومی - اقلانعی ایران در رقابت با عربستان

دولت روحانی طی ۶ سال گذشته از دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی اقداماتش در جهت شکل‌گیری به متغیرهای سیاست منطقه‌ای خود در خاورمیانه و خصوصاً در رقابت با عربستان سعودی استفاده می‌کند. ایران که دیپلماسی عمومی را برای افزایش نفوذ خود در منطقه، حیاتی می‌داند، بر طیفی از روایت‌هایی اتکا دارد که به مذاق احساسات عمومی در جهان عرب خوش می‌آید، از جمله مقابله با امپریالیسم، مذهب و آرمان فلسطین و این روایت‌ها را از طریق پخش برنامه‌های رسانه‌ای و هم‌چنین نفوذ فرهنگی و مذهبی در کشورهای منطقه گسترش می‌دهد. هر موفقیتی که جمهوری اسلامی در این عرصه به دست می‌آورد، نه تنها به مزایای ذاتی ایران مانند قربت جغرافیایی، مذهبی و تاریخی، بلکه به سرمایه‌گذاری این کشور روی اشتباهات سیاستی بازیگران دیگر در منطقه، تاریخ طولانی استفاده تهران از دیپلماسی عمومی برای پی‌گیری منافعش، و خلأ قدرت نرمی برمی‌گردد که در غیاب دولت‌های عربی و آمریکا به وجود آمده، و ایران در آن عملاً بی‌رقیب به فعالیت می‌پردازد.

دیپلماسی عمومی ایران، علاوه بر یک استراتژی جامع پیام‌رسانی که از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، روزنامه، وب‌سایت و رسانه‌های اجتماعی برای تقویت روایت‌های این کشور استفاده می‌کند، مواردی مانند کنفرانس‌ها و برنامه‌های تبادل آموزشی، فرهنگی و مذهبی را نیز شامل می‌شود. فعالیت‌های رسانه‌ای جمهوری اسلامی، تحت مدیریت صدا و سیمای ایران اداره می‌شوند؛ نهادی که نه تنها بر پیام‌های داخلی، بلکه هم‌چنین بر محتوای خارجی رسانه‌های این کشور نیز نظارت می‌کند. صدا و سیمای ایران، شبکه‌های رسانه‌ای عرب‌زبانی را اداره می‌کند که از جمله آن‌ها شبکه «الکوثر»، با تمرکز روی برنامه‌های مذهبی و فرهنگی، و شبکه خبری «العالم» (شبکه خبری ۲۴ ساعت‌های برای رقابت با دیگر شبکه‌ها مشابه مانند الجزیره و العربیه) است. هدف این شبکه‌ها ترویج ایدئولوژی دولتی ایران، و مهم‌تر از آن، «خشتی‌سازی» تبلیغات و لفاظی‌هایی است

که جمهوری اسلامی را هدف قرار داده‌اند (Bani Kamal, 2018). لذا، طبیعی است که این اقدامات و نیز موفقیت دیپلماسی عمومی ایران باعث ترس سعودی‌ها شود.

ب) رقابت با عربستان سعودی با تأکید بر حوثی‌ها و محور مقاومت

نشریه آلمانی «فرانکفورتر روندشاو» با اشاره به عدم موفقیت‌های عربستان در برابر ایران، می‌نویسد که «این رژیم تا کنون پس از پنج سال جنگ داخلی و ۳۰۰ هزار کشته در سوریه موفق به سرنگونی بشار اسد و در نتیجه از بین برداشتن متحد اصلی ایران در جهان عرب نشده است». این نشریه در ادامه می‌افزاید: «در یمن، ریاض علیه حوثی‌های شیعه وارد جنگ شد، جنگی که تاکنون برای این دولت حدود ۶۰ میلیارد دلار هزینه در برداشته و کشور همسایه را دچار یک فاجعه انسانی کرده است. خانواده سلطنتی سنی مذهب حاکم بر بحرین و دوست عربستان، تنها از طریق سرکوب‌های خشونت‌آمیز خود را بر سر قدرت نگه داشته است» (خبرگزاری مشرق به نقل از نشریه آلمانی فرانکفورتر روندشاو، ۲۱ دی ۱۳۹۴). لذا، آل سعود با ترسی که از ایران و قدرت نظامی آن در دل داشته، خود را در پناه آمریکا قرار داده تا شاید از طرف این کشور و در مقابل ایران مورد حمایت قرار گیرد. اما، ایران با حمایت از محور مقاومت و نیز حوثی‌ها در چارچوب هوشمندسازی قدرت در دوران کنونی توانسته فشار امنیتی - سیاسی سنگینی بر این کشور تحمیل نماید.

یوسکه از خبرنگاران شبکه آساهی ژاپن می‌نویسد: «فرودگاه بین‌المللی آب‌ها واقع در جنوب عربستان سعودی روز بیست و سوم اکتبر ۲۰۱۷ هدف حمله قرار گرفت و بر اثر این حمله یک نفر کشته و بیست و سه نفر زخمی شدند. حوثی‌ها، سازمان مسلح ضددولتی یمن که گفته می‌شود ایران از آن‌ها حمایت می‌کند، مسئولیت حمله به فرودگاه بین‌المللی عربستان سعودی را برعهده گرفتند. رسانه‌هایی که تحت نفوذ حوثی‌ها قرار دارند، اعلام کردند که درحمله به فرودگاه بین‌المللی عربستان سعودی از هواپیمای بدون سرنشین استفاده شده است. ماه آوریل نیز دوبار به فرودگاه آب‌ها عربستان سعودی حمله شد و در حمله موشکی روز دوازدهم همین ماه نیز بیست و شش تن از جمله دو کودک زخمی شدند. حوثی‌ها همچنین در اواسط ماه مه ۲۰۱۷ به وسیله پهپاد به خط لوله نفت عربستان سعودی حمله کردند و به شکل موقت تأسیسات نفتی عربستان

سعودی را از کار انداختند. عربستان سعودی ادعا کرد که ایران دستور حمله را صادر کرده است. درحالیکه تنش در منطقه خاورمیانه بر اثر اختلافات میان ایران و آمریکا افزایش یافته است، این نگرانی وجود دارد که بر اثر حمله این بار به فرودگاه بین‌المللی آب‌ها عربستان سعودی، تنش در منطقه خاورمیانه شعله‌ور شود (یوسکه، ۵ تیر ۱۳۹۸). این تنها مواردی از ده‌ها مورد حملاتی است که حوثی‌ها به عنوان نیروهای محور مقاومت علیه عربستان در بعد نظامی انجام داده‌اند و در سال ۲۰۱۹ نیز تشدید شد. اما خارج از این مباحث و به‌طور کلی می‌توان برتری نظامی ایران نسبت به عربستان را در صنایع نظامی بومی و اراده قوی اسلامی میان مردمان آن دانست.

ماهیت قدرت	کانون تمرکز	مؤلفه‌ها
قدرت نرم	توسعه برنامه شبکه‌های الکوثر و العالم و تبلیغ رسالت‌های انقلابی جمهوری اسلامی ایران	تأثیرگذاری و نفوذ میان شیعیان عربستان
قدرت سخت	توسعه و توانمندسازی نظامی برای رفع تهدیدات و دستیابی به برتری نظامی	تقویت توانمندی محور مقاومت
قدرت سخت	حمایت همه‌جانبه حوثی‌ها و نیروهای حاضر در جنبش انصارالله	نفوذ در یمن در همجواری با مرزهای عربستان

قدرت هوشمند دولت روحانی در قبال عربستان سعودی (۱۳۹۲-۱۳۹۸)

۳. رویکرد عربستان نسبت به تحول قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران در دوران روحانی

بعد از انتخاب حسن روحانی به‌عنوان رئیس یازدهمین دولت جمهوری اسلامی ایران، عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان سعودی، از اولین رهبران سیاسی بود که انتخاب روحانی را تبریک گفت و برای وی آرزوی موفقیت کرد. روحانی نیز چند روز بعد این پیام را پاسخ گفت و ابراز امیدواری کرد ایران و عربستان با کمک یکدیگر بتوانند ثبات را به منطقه خاورمیانه بازگردانند. روحانی در نخستین نشست خبری‌اش که

در ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ انجام شد، عربستانی‌ها را برادر خود خواند و از روابط سیاسی با این کشور استقبال کرد (سایت الف، ۲۷ خرداد ۹۲).

با این حال، شدت تنش‌ها از دوره احمدی‌نژاد میان ایران و عربستان به اندازه‌ای بود که حتی روی کار آمدن حسن روحانی نیز با دیدگاه تعاملی وی درخصوص سیاست خارجی نتوانست از دامنه تنش‌های بین تهران و ریاض بکاهد؛ به گونه‌ای که شاهد سرایت این تنش‌ها از حوزه‌های سیاسی و نظامی به حوزه اقتصادی و بحث نفت شد. جلوگیری عربستان از کاهش تولید نفت اوپک به کاهش بیش از ۵۰ درصدی قیمت نفت طی مدت کوتاهی شد (ایرنا، ۴ بهمن ۱۳۹۳). این اقدام در وضعیتی که ایران از سوی غرب تحریم بود، باعث فشار بر دولت روحانی شد. با این حال، روند آتی تحولات نیز زمینه را برای برخوردهای شدیدتر فراهم نمود و در نتیجه آن قطع کامل روابط دیپلماتیک از سوی عربستان را بار آورد.

در راستای بحث فوق، روند تحولات به این شکل بود که در ۲ ژانویه سال ۲۰۱۶، ۴۷ نفر در چندین شهر سعودی از جمله روحانی برجسته شیعه نمر النمر اعدام شدند. معترضین غالباً شیعی در کشورهای مختلف به اعدام‌ها با تظاهرات واکنش نشان دادند. در همان روز، سرانجام معترضین در تهران نیز سفارت عربستان سعودی را به آتش کشیدند (Basil, Abdelaziz and Pearson, 2 January 2016). اگرچه به سرعت و با مداخله پلیس تهران این حادثه خاتمه یافت و طی آن ۴۰ نفر بازداشت شدند، اما در ۳ ژانویه ۲۰۱۶، وزارت خارجه عربستان سعودی اعلام کرد که به دلیل خشونت‌هایی که در سفارت آن‌ها رخ داده است، روابط دیپلماتیک با ایران را قطع می‌کند. هرچند حسن روحانی حمله به سفارت را "به هیچ وجه قابل توجیه" ندانست (Lovelluck, 4 January 2016)، اما پس از این اتفاقات، عربستان سعودی از بازی در ایران در جریان لیگ قهرمانان آسیا ۲۰۱۶ خودداری کرد. درعین حال، در واکنش به تسخیر سفارت، عربستان سعودی به همراه متحدان خود، یعنی بحرین، سودان، جیبوتی، سومالی و کومور روابط دیپلماتیک را با ایران قطع کردند. وزارت امور خارجه ایران در پاسخ به اقدامات سعودی‌ها، آن‌ها را به تشدید تنش ناشی از این بحران متهم کرده بود (Aljazeera, 6 Jan 2016). این سرآغاز دور جدیدی از تنش میان ایران و عربستان بود، که در ادامه و از

چشم‌انداز عربستان و با عنایت به رویکرد این کشور به تحول مفهوم قدرت در سیاست منطقه‌ای ایران به خوانش آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف) مسأله برنامه هسته‌ای ایران و استقبال از سیاست‌های ترامپ

مذاکرات هسته‌ای که شاه‌رگ پیروزی روحانی در انتخابات بود و نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت تدبیر و امید به حساب می‌آمد، انتظار می‌رفت که با توجه به حسن نیت ایران، زمینه را برای برقراری پیوندها در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کند. اما، در روزهایی که مذاکرات «ژنو ۲» و «ژنو ۳» در حال پیگیری بود، برخی مقامات دولتی و افراد سرشناس عربستانی نارضایتی خود را از امضای این توافق‌نامه ابراز کردند. از جمله دلایل ناخرسندی عربستانی‌ها از نزدیکی ایران و آمریکا، نگرانی از گسترش نفوذ محور مقاومت در منطقه خاورمیانه در سایه سکوت آمریکا در زمان ایجاد رابطه با ایران طی توافق هسته‌ای بود. در همان زمان برخی رسانه‌ها از سنگ‌اندازی عربستان سعودی و اسرائیل در مسیر حصول توافق هسته‌ای ایران و غرب خبر دادند (عنادی، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱). در همین راستا، روزنامه تایمز اسرائیل می‌نویسد، سعود الفیصل، وزیر خارجه (وقت) عربستان گفته بود در مذاکرات هسته‌ای، ایران نباید به توافقی دست پیدا کند که شایسته آن نیست (تابناک به نقل از تایمز اسرائیل، ۴ فروردین ۱۳۹۴).

عربستان سعودی در پاسخ به برنامه هسته‌ای ایران گزینه‌های مختلفی را در نظر گرفته بود: دستیابی به توانایی هسته‌ای به‌عنوان یک عامل بازدارنده؛ ورود به باشگاه هسته‌ای با قدرت هسته‌ای موجود یا پیگیری توافق منطقه‌عاری از سلاح هسته‌ای (MacAskill and Traynor, 22 June 2017). اعتقاد بر این است که عربستان سعودی از سال ۱۹۷۴ سرمایه‌گذار اصلی برنامه هسته‌ای یکپارچه پاکستان بوده است، پروژه‌ای که تحت حکومت نخست‌وزیر سابق ذوالفقار علی بوتو آغاز شد. به گفته مقامات ارشد آمریکایی، در سال ۲۰۰۳ گزارش شد که عربستان سعودی «تصمیم استراتژیک» برای دستیابی به سلاح‌های اتمی به شکل «قابل دسترس» را از پاکستان گرفته است (Harnden and Lamb, 22 June 2017).

روی کارآمدن دونالد ترامپ در آمریکا با عنایت به حملات لفظی که وی علیه توافق هسته‌ای دولت اوباما با ایران انجام داده بود و نیز با توجه به این که ترامپ خود را در قامت دشمن سرسخت ایران می‌دید، اتفاق خوشایندی نبود. لذا دولت سعودی پیش‌بینی کرده بود که دولت ترامپ موضع تند و سخت‌تری نسبت به دولت اوباما در مورد ایران اتخاذ کند، که به طور بالقوه به نفع ریاض است (O'Connor, 4 November 2016). در سال ۲۰۱۸، ولیعهد محمد بن سلمان اظهار داشت که عربستان سعودی در صورت موفقیت برنامه هسته‌ای ایران، در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای حرکت می‌کند. وی یک هیأت به ایالات متحده برای دیدار با مقامات دولت ترامپ جهت گفت‌وگو در خصوص نگرانی‌های متقابل، از جمله خروج احتمالی آمریکا از توافق هسته‌ای ایران فرستاد (Hafezi and et al, 20 March 2018). در نتیجه امر دونالد ترامپ در تاریخ ۸ مه ۲۰۱۸ اعلام کرد که ایالات متحده به طور یک جانبه از برجام خارج خواهد شد. علاوه بر اعمال تحریم‌های جدید، تحریم‌های قبلی علیه ایران را دوباره برقرار خواهد کرد (Landler, 8 May 2018). در این دوران شاهد بودیم که عربستان سعودی با نزدیکی به دولت ترامپ، از این سیاست حمایت نموده و در مسیر همراهی با تحریم‌های آمریکا علیه ایران گام برمی‌دارد. مهم‌ترین تحریم آمریکا علیه ایران که به کمک عربستان پیگیری می‌شود، سیاست‌های تحریم نفتی ایران و به صفر رساندن آن است.

ب) تلاش برای فشار بر ایران و همراهی با سیاست‌های انرژی ترامپ

تا پیش از آغاز تحریم‌های ایران و تلاش آمریکا برای تأثیرگذاری بر عرضه نفت ایران، انتظار می‌رفت به دنبال کاهش عرضه ایران در بازار جهانی، قیمت نفت روند افزایشی خود را ادامه دهد و حتی به بیش از ۱۰۰ دلار برسد. با این حال، در هشتم ماه نوامبر نفت طولانی‌ترین سقوط بی‌وقفه را در بیش از سه دهه گذشته تجربه کرد. این امر تحلیل‌گران را به این نتیجه رساند که طی چند ماهه پیش از نوامبر ۲۰۱۸، سیاست‌های رئیس‌جمهور آمریکا تأثیر قابل توجهی بر نوسانات قیمت نفت داشته است. با ورود قیمت نفت به محدوده خرسی در چهاردهم ماه نوامبر قیمت نفت به ۶۶٫۵۳ دلار رسید و در کمتر از یک ماه قیمت نفت به ۵۵ دلار نیز رسید. این روند، طولانی‌ترین سقوط بی‌وقفه قیمت نفت در بیش از سه دهه گذشته محسوب می‌شود. در همین راستا ترامپ

در توثیقی از عربستان برای کاهش قیمت دلار در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۱۸ تشکر کرده بود و نوشته بود؛ «قیمت نفت پایین می‌آید، عالیست! مانند یک حذف مالیات بزرگ برای آمریکا و جهان. لذت ببرید! ۵۴ دلار، در صورتی که همین چند مدت قبل ۸۲ دلار بود. با تشکر از عربستان سعودی، اما اجازه دهید پایین‌تر بیاید!» (Paraskova, Nov 21, 2018).

در این میان، یکی از سیاست‌های ترامپ در کنار حفظ قیمت پایین نفت، به صفر رساندن صادرات نفت ایران بود. پس از آنکه دولت آمریکا اعلام کرد تحریم‌های نفتی علیه ایران اعمال خواهد شد، تولیدکنندگان اوپک و غیراوپکی موافقت کردند تا با افزایش تولید، کاهش عرضه ایران را جبران کنند. در همین راستا، در آبان ماه ۱۳۹۷، تولید عربستان سعودی و روسیه به بالاترین سطح خود رسید (میرمحمدی، ۲۸ آبان ۱۳۹۷). امری که به کاهش قیمت نفت و ممانعت از شوک نفتی ناشی از کاهش صادرات نفت ایران منجر شد. البته پیش از این اتفاقات، مقامات ایران و تحلیل‌گران حوزه انرژی کشور به تحلیل متفاوتی رسیده بودند، که تحریم نفتی ایران بازار را با شوک نفتی و افزایش قیمت مواجه کند. در نتیجه آن‌ها ابراز امیدواری می‌کردند که رشد قیمت جهانی نفت بخشی از زیان مالی ناشی از کاهش صادرات ایران را جبران خواهد کرد. پایه تحلیل آن‌ها بر این فرض متکی بود که کشورهای عمده تولیدکننده نفت از جمله عربستان توان تأمین کسری عرضه ناشی از خروج ایران از بازار را نخواهند داشت. در مقابل، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که برنامه تحریم نفتی ایران گام‌به‌گام پیش خواهد رفت تا سیر نزولی قیمت جهانی نفت نیز حفظ شود. برنامه‌ای که فشار مضاعف و مستمری را بر توان مالی دولت ایران وارد خواهد کرد (یورونیوز، ۲۰۱۸/۱۱/۱۳).

البته پیش‌بینی نادرست تحلیل‌گران ایرانی از چراغ سبز عربستان برای جبران کاهش نفت ایران در راستای همان رفع نگرانی آمریکایی‌ها ارزیابی می‌شود و نشان می‌دهد، ائتلاف ضد ایرانی به رهبری ترامپ و آمریکا و حمایت عربستان اهداف برنامه‌ریزی شده‌ای برای کاهش اثرات مخرب بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران را دنبال می‌کند. درهمین ارتباط، یک مقام آگاه در وزارت نفت عربستان اعلام کرده بود که پادشاهی سعودی با تولیدکنندگان عمده و خریداران نفت خام در درون اوپک و خارج از اوپک همکاری می‌کند تا پیامدهای کاهش تولید نفت خام ایران و تأثیرات آن در بازارهای

جهانی را کاهش دهد (الوقت، ۲۶ خرداد ۱۳۹۷: ۱۳۴۶۷۸). اما این امر باعث نگرانی ایران، فشار بر بازار و تصمیم قطر برای خروج از اوپک منجر شد، امری که کشورهای اوپک و غیراوپک را وادار به کاهش عرضه نفت از ماه دسامبر ۲۰۱۸ به بازار نمود.

ج) تلاش برای ائتلاف‌سازی علیه ایران در چارچوب ناتوی عربی

ائتلاف سیاسی - امنیتی هشت کشور عربی معروف به «اتحاد استراتژیک خاورمیانه یا میسا»^۱ که در سطح رسانه‌ها به «ناتوی عربی» معروف شده است (Aluwaisheg, October 01, 2018)، یکی از رویکردهای واکنشی عربستان سعودی به قدرت هوشمند ایران در دوران دولت یازدهم و دوازدهم است. در همین راستا، نیروهای مسلح و مقامات نظامی از ۸ کشور عربی در مصر در ماه نوامبر ۲۰۱۸ برای انجام یک مانور مشترک دورهم جمع شدند. امری که گمانه‌زنی‌ها برای تشکیل «ناتوی عربی» را تقویت کرد (یورونیوز، ۲۰۱۸/۱۱/۰۶). فارغ از اهداف متفاوتی که برای تشکیل این نهاد ذکر می‌شود، می‌توان گفت؛ هدف نهایی این تشکل نظامی - امنیتی نوعی مقابله با مخالفان نظم جدید و در رأس آن‌ها ایران، نیروهای مقاومتی فلسطین و لبنان است. در همین راستا، ضیاء عباس کارشناس روابط بین‌الملل هدف طرح ناتوی عربی از سوی واشنگتن را در راستای افزایش فشار بر تهران می‌داند، به‌ویژه که آمریکا اعلام کرده است که تحریم‌های بیشتری را علیه ایران اعمال می‌کند. از منظر وی، امکان برخورد مستقیم کشورهای عربی و ایران شاید پس از موفقیت تشکیل ناتوی عربی افزایش یابد، اما این امر در کوتاه مدت است و نه در میان مدت یا بلندمدت» (خبرگزاری مهر، ۹ مرداد ۱۳۹۷: ۴۳۶۲۳۶۸). بریل دداوغلودر روزنامه دیلی صباح ترکیه می‌نویسد؛ بد نیست بدانید که میسا در برابر ایران طراحی شده است، بنابراین حتی تمایل برای ایجاد چنین اتحادی، دعوی برای جنگ است» (Dedeoğlu, July 31, 2018). حضور اسرائیل در پس این ائتلاف نیز تأییدی بر این ادعاست. در مجموع برخی کشورهای عربی منطقه به‌خاطر سیاست ایران هراسی که آمریکایی‌ها به‌راه انداخته‌اند، اکنون با جمهوری اسلامی به

1. Middle East Strategic Alliance (Mesa)
2. Beril Dedeoğlu
3. Dailysabah

دشمنی می‌پردازند، یکی از کارهای روزمره این کشورهای عربی منطقه، به‌ویژه عربستان سعودی سخن گفتن علیه ایران است.

د) بحران یمن و تلاش برای مقصر جلوه دادن ایران و مقابله با نفوذ سخت و نرم

این کشور

یمن از حوزه‌های بحران در سال‌های اخیر میان ایران و عربستان بوده است. رفتن به سمت قدرت هوشمند در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، با تمرکز ویژه بر بحران یمن خود را در ابعاد مختلف بازایی می‌کند، لذا طبیعی است که عربستان به رویکرد مقابله‌ای نسبت به قدرت ایران در این کشور اقدام کند. به لحظ تاریخی اعتراضات ۲۰۱۴-۲۰۱۵ و تغییر حکومت یمن که با حمایت همه‌جانبه ایران انجام شد، سیاست‌مداران عربستانی را به مقابله با نفوذ ایرانی‌ها واداشت و موجب تیره‌تر شدن روابط ایران با عربستان سعودی شد. مقامات عربستانی تهدید کردند که برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه و همچنین جلوگیری از توافق هسته‌ای میان ایران و آمریکا، تلاش خود را به کار می‌بندند (خبرگزاری تابناک، ۴ فروردین ۱۳۹۴).

لازم به ذکر است که در مورد یمن نگرانی اصلی عربستان قدرت گرفتن گروه‌های شیعی نظیر انصارالله و حوثی‌ها است که هم سو با منافع ایران‌اند. هم‌چنین، از نگاه عربستان بلندپروازی‌های ایران و توانمندی‌های نظامی آن ممکن است به تشدید نفوذ این کشور بر یمن و اقلیت شیعی عربستان و یمن منجر شود (Nasr, 2006: 59). لذا، با پیشروی‌های نیروهای انصارالله در یمن، عربستان سعودی و چند کشور عرب دیگر، اقدام به مداخله نظامی در این کشور نمودند. در همین زمینه، سعود الفیصل وزیر خارجه وقت عربستان اظهار داشته بود که «یقیناً کشورهای منطقه و جهان عرب، اقدامات لازم برای محافظت از منطقه در مقابل تجاوزگری انجام خواهند داد». فیصل همچنین در پاسخ به پرسشی درباره نقش ایران در حمایت از حوثی‌های یمن گفته، وی با «مداخله ایران در یمن» مخالف است (تابناک به نقل از ایندیندنت، ۴ فروردین ۱۳۹۴). انصارالله بدون شک خط امتداد محور مقاومت اسلامی ایران است که در چارچوب تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است. لذا، اقدامات آن نیز به تبعیت از محور مقاومت انجام می‌گیرد. در نتیجه عربستان این اقدامات و پیشرفت‌های نیروهای حوثی را که از

انگیزه مقاومت اسلامی ناشی می‌شود، نمی‌تواند درک و باور نماید، لذا تخریب ایران را هدف واکنشی در مقابل نفوذ و قدرت ایران در یمن می‌داند.

در همین راستا، در ۴ نوامبر ۲۰۱۷، پدافند هوایی سلطنتی عربستان سعودی یک موشک بالستیک را در فرودگاه بین‌المللی ریاض رهگیری کرد. عادل الجبیر وزیر امور خارجه وقت عربستان ادعا کرد که این موشک توسط ایران به نیروهای حوثی داده شده و از قلمرو تحت تصرف شورشیان پرتاب شده است. ولیعهد محمد بن سلمان آن را «تجاوز نظامی مستقیم توسط رژیم ایران» خواند و گفت که «این ممکن است یک اقدام جنگ علیه پادشاهی تلقی شود» (El Sirgany, 13 November 2017). در این چارچوب، فهم چرایی اقدام عربستان در یمن زمانی بهتر درک می‌شود که ببینیم نه تنها سیاست‌های عربستان برای مهار ایران در عراق و سوریه شکست خورده، بلکه ایران به حیاط خلوت عربستان در یمن نیز وارد شده است. با این وجود، نه تنها عربستان سعودی و هم‌پیمانانش تاکنون به مهم‌ترین اهدافشان دست پیدا نکردند؛ بلکه مخاطراتی هم از جمله ناامنی در مرز جنوبی عربستان و حمله راکتی قبایل یمنی به تأسیسات نفتی و بروز ناآرامی در مناطق نفت‌خیز و شیعه‌نشین استان شرقی برای این کشور داشته‌اند و این در حالی است که تقریباً نیمی از نیروهای بدنه ارتش عربستان سعودی را یمنی‌تبارها تشکیل می‌دهند (فیروزکلانی، ۱۳۹۴). لذا عربستان از هیچ اقدام واکنشی علیه انصارالله و حوثی‌ها دریغ نخواهد کرد تا با قدرت و نفوذ نرم و سخت ایران و ظرفیت‌هایی که محور مقاومت در یمن به دست آورده، مقابله کند.

ه) همراهی با اسرائیل در طرح معامله قرن

مسئله فلسطین طی چند دهه گذشته همواره مهم‌ترین مسئله موجود در خاورمیانه بوده که تاکنون با وجود تمامی تلاش‌های بین‌المللی در مقام بحرانی لاینحل باقی مانده است. اما، این مسئله در دوران ترامپ صورتی نوین به خود گرفت، که در چارچوب معامله قرن نام‌گذاری شد. معامله‌ای که با همراهی عربستان با آمریکا و اسرائیل همراه بوده و هدف آن، از میان بردن آرمان فلسطینی و عادی‌سازی اشغال‌گری اسرائیل و در نهایت به رسمیت شناختن دولت یهود است. درعین حال، تضعیف محور

مقاومت حماس و نیز مقابله با نفوذ ایران در این منطقه از جمله اهداف عربستان، آمریکا و اسرائیل است.

در این خصوص، ولادیمیر ساژین (ساژین، ۲۰۱۸/۰۳/۱۳) مفسر «اسپوتنیک» می‌نویسد: رسانه‌ها این پروژه را «معامله قرن» می‌نامند. این پروژه باید مناسبات بین اسرائیل و فلسطینی‌ها را عادی سازد که نهایتاً باید به عادی‌سازی مناسبات بین اسرائیل و جهان عرب به‌طور کل منجر شود. محمد بن سلمان پیشگام این طرح بود. او شخصاً با نمایندگان رهبری عالی اسرائیل ملاقات کرد و جنبه‌های ساختار سیاسی منطقه اسرائیل - فلسطین را بررسی کرد. به این ترتیب، توافق پیشنهادی، موافقت اسرائیل با ایجاد کشور فلسطین را در نظر دارد که مرزهای آن ارتباطی با «مرزهای سال ۱۹۶۷» نداشته باشد. برطبق آن ۹۰ درصد سواحل غربی رود اردن به فلسطین واگذار خواهد شد. پایتخت کشور فلسطین باید در اورشلیم شرقی باشد. در عین حال، فلسطینی‌ها ممکن است اسرائیل را به عنوان یک دولت منحصرأ یهودی به رسمیت نشناسند که در این صورت مجبور به امتناع از حق بازگشت مهاجران خواهند شد. در عوض حل و فصل این مسأله، اسرائیل ممکن است به برنامه ساخت «شهر آینده» در جزایر عربستان سعودی بپیوندد. به علاوه، شاهزاده محمد بن سلمان، علاقمندی زیادی نسبت به شرکت اسرائیل در پروژه عظیم اقتصادی رشد و توسعه سرزمین بزرگ حاشیه دریای سرخ، ایجاد منطقه آزاد تجاری بین سواحل شرقی مصر، اردن و عربستان سعودی نشان داد. در حال حاضر، شاهزاده سلمان و عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهور مصر با شدت تمام روی این موضوع کار می‌کنند تا محمود عباس رهبر فلسطینی‌ها را به قبول این شرایط راضی سازند. رهبران دیگر کشورهای عربی نیز معامله احتمالی را بررسی کرده‌اند. در ماه ژانویه ۲۰۱۸، در زمان همایش اقتصادی داووس، عبدالله دوم پادشاه اردن در دیدار با سعد الحریری نخست‌وزیر لبنان، وی را با طرح حل و فصل مسأله اسرائیل - فلسطین آشنا نمود.

سیدهادی سیدافقهی، کارشناس خاورمیانه معتقد است؛ اولین گامی که در راستای طرح معامله قرن برداشته شد، همان حرکت ترامپ بود که قدس را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی اعلام کرد. در واقع، حفظ یکپارچگی و یهودی‌بودن قدس و مخالفت با تقسیم مجدد آن یکی از محورهای اصلی طرح معامله قرن است و قدس در

مذاکرات به اصطلاح صلح از دایره مذاکرات خارج خواهد شد که دونالد ترامپ نیز در این خصوص تأکید کرد که «در میز مذاکرات، دیگر مسأله قدس مطرح نخواهد شد» (میرعمادی، ۲۸ تیر ۱۳۹۷). بر طبق اطلاعات، چند کشور عربی به محمود عباس توصیه کردند این طرح را قبول کند «تا بعداً از رد آن پشیمان نشود». البته تا اجرایی کردن کامل طرح (اگر اصلاً به مرحله اجرا برسد) وقت زیادی باید سپری شود. بقول شاهزاده محمد بن سلمان اجرایی شدن این معامله «نه یکی دو سال، بلکه ۳۰ سال وقت خواهد برد». بنابراین باید امیدوار بود که تا صدمین سالگرد درگیری اسرائیل - فلسطین این معامله رنگ واقعیت بخود بگیرد. در آن موقع واقعاً هم می‌توان آنرا «معامله قرن» نامید، زیرا صحبت از جهش سرنوشت ساز در تاریخ خاورمیانه می‌رود (سازین، ۳/۱۳/۲۰۱۸).

(و) تنش و جنگ نیابتی در عراق، سوریه و بحرین با ایران

عراق: پس از خروج نیروهای ایالات متحده از عراق در دسامبر ۲۰۱۱، این کشور بیشتر به حوزه نفوذ ایران تبدیل شد. بی‌ثباتی ناشی از جنگ داخلی عراق و ظهور داعش ماهیت و وجود دولت عراق را تهدید می‌کرد و لذا به همکاری و حضور نیروهای نظامی ایران در این کشور منجر شد. به همین منظور، در سال ۲۰۱۴، ایران گروه‌های شبه نظامی شیعه یعنی حشدالشعبی را برای متوقف کردن و در نهایت عقب نشینی نیروهای سنی رادیکال و داعش بسیج و تجهیز کرد (Milani, 22 June 2014).

در عین حال و بیش از این نیز، دولت عراق به‌ویژه تحت تأثیر ایران است و در بیشتر امور با مقامات ایرانی و خصوصاً نیروهای سپاه مشورت می‌کند (Foizee, 20 December 2016). از سال ۲۰۱۸، ایران با مشارکت تجاری سالانه ۱۲ میلیارد دلار در مقایسه با ۶ میلیارد دلار تجارت بین عراق و عربستان سعودی، به شریک اصلی تجارت عراق تبدیل شده است. علاوه بر، تقویت روابط اقتصادی، تهران با کمک به دولت عراق در مبارزه با فشار برای استقلال در کردستان عراق، نفوذ خود را بیشتر کرد (Georgy, Aboulenein and Rasheed, 22 March 2018). در واکنش به این وضعیت است که عربستان سعودی با تقویت روابط خود با دولت اقلیم کردستان پاسخ داده و آن را مانعی برای گسترش نفوذ ایران در منطقه می‌داند، ضمن اینکه یک رویکرد قدرت نرم را نیز برای بهبود روابط با دولت عراق اتخاذ کرده است (Ibish, 4 October 2017). اخیراً، عربستان سعودی با

روحانی شیعه مقتدی صدر که رهبر جنبش صدری است رابطه نزدیکی برقرار کرده است و طرح‌های مالی و تجاری مشترکی برای مقابله و کاهش نفوذ ایران در عراق به حاکمان این کشور نیز پیشنهاد داده است (Haddad, 10 August 2017). در همین راستا، عزت ابراهیم الدوری، مقام سابق رژیم بعث و از فرماندهان نیروهای شورشی بعثی کنونی و رهبر گروه شورشی ارتش نقشبندی، بارها و بارها از تلاش سعودی‌ها برای محدود کردن نفوذ ایران در عراق تمجید کرده است (Chmaytelli, APRIL 10, 2016).

سوریه: جنگ داخلی سوریه نیز یکی از عواملی است که تنش در روابط تهران و ریاض را بیش از پیش شدت بخشیده است. حمایت علنی عربستان از مخالفان دولت بشار اسد این کشور را در مقابل ایران که از متحدان و مدافعان اسد است، قرار داده. دولت بشار اسد به دلیل دشمنی با اسرائیل و تشکیل محور مقاومت در کنار لبنان، یکی از پایگاه‌های استراتژیک ایران به‌شمار می‌آید و به همین دلیل و نیز پیشینه روابط جمهوری اسلامی ایران با دولت حافظ اسد، سبب شده است تا ایران برخلاف عربستان از دولت بشار اسد حمایت کند. در بحران سوریه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، هر یک به دنبال منافع خاص خود در تحولات سوریه هستند. عربستان سعودی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران مؤثر در بحران داخلی سوریه از این قاعده مستثنی نیست و به نظر می‌رسد این کشور با توجه به رقابت گسترده منطقه‌ای که با ایران دارد، بیش از هر عامل دیگری به دنبال مقابله با این نفوذ باشد؛ تا بتواند از این طریق قدرت منطقه‌ای ایران را کاهش دهد (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۲۰). به‌منظور درک بهتر نقش سوریه در این منطقه باید به اتحاد استراتژیک سوریه با ایران و نقش نیابتی آن در منطقه تمرکز کرد. سوریه به‌عنوان ایجاد کننده ارتباط با حزب الله و به‌عنوان کانال اصلی برای تقویت جبهه مقاومت به‌شمار می‌رود (Hokayem, 2007: 44).

لذا عربستان برای تضعیف یکی از هم‌پیمانان اصلی ایران در منطقه، عملاً وارد یک جنگ تمام عیار نیابتی در خاک سوریه شده است، به‌گونه‌ای که با حمایت‌های این کشور و برخی دیگر از کشورهای منطقه و ورود گروه‌های افراطی القاعده و مسلح کردن تندروهای داخلی سوریه عملاً از بهار سال ۲۰۱۲ شاهد جنگ فرقه‌ای در این کشور میان مخالفان داخلی و خارجی با دولت اسد بوده است. عربستان مشخصاً سوریه را در

چارچوب رقابت‌های منطقه‌ای با ایران (مهار الگوی نفوذ معنوی ایران) می‌بیند و در واقع برای همین درمقابل نظام اسد و در دفاع از شورشی که علیه این نظام صورت گرفته گام برمی‌دارد. در واقع کاهش نفوذ ایران در منطقه با مهار کردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب که زمانی در قالب هلال شیعی مطرح گردید، هدف اصلی عربستان است. بنابراین عربستان در هماهنگی با رویکرد غربی-عربی تلاش دارد تا موقعیت ایران در سوریه را کاهش دهد. از این رو در چنین شرایطی عربستان برای محدودسازی قدرت ایران در خاورمیانه از گروه‌های معترض در سوریه حمایت می‌کند (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳). با این حال، عربستان در سوریه و در سال‌های اخیر که دولت اسد ۹۰ درصد مناطق را در این کشور بازپس گرفته و ایران و روسیه در مقابل کشورهای عربی چون عربستان و آمریکا دست بالا را در تحولات سوریه دارند، تا حدود زیادی شکست خورد است.

بحرین: عربستان سعودی و ایران به مدت چندین دهه به دنبال گسترش نفوذ خود در بحرین بودند. درحالیکه اکثر مسلمانان بحرین شیعه هستند، اما این کشور توسط خانواده اهل سنت آل خلیفه اداره می‌شود (Alvandi, 2010). دولت‌های اهل سنت خلیج فارس برای مدت‌ها از اینکه ایران ممکن است ناآرامی‌هایی را در بین اقلیت‌های منطقه‌ای شیعه به ویژه در بحرین به وجود آورد، بیمناک بودند. ثبات رژیم آل خلیفه به حمایت سعودی‌ها وابسته است. این جزیره با ۲۵ کیلومتر مسیر مشترک اتصال به عربستان سعودی وصل شده است. سعودی‌ها هرگونه دستاوردهای سیاسی توسط شیعیان در بحرین را چون دستاوردی برای ایران قلمداد نموده و از آن جلوگیری می‌کنند (Mabon, 13 July 2016). لذا متعاقب بهار عربی و خیزش شیعیان و معترضان بحرینی، عربستان از نیروهای خود جهت سرکوب شیعیان این کشور به نفع رژیم حاکم استفاده کرد تا از بهره‌برداری ایران از این معترضان به نفع خود جلوگیری کند. دولت بحرین علناً ایران را به دلیل اعتراضات سرزنش کرد، اما کمیسیون مستقلی که توسط پادشاه حمد تأسیس شد، این ادعا را رد کرد و در عوض نقض حقوق بشر در این سرکوب را برجسته کرد (Friedman, 15 July 2016). از همین دوران به بعد است که شاهد اتکای کامل حاکمان بحرین به عربستان بوده و ایران در خط مقدم مقابله این دولت‌ها در مسأله

بحرین قرار دارد. چرا که رفتن به سوی قدرت هوشمند ایران در دوران روحانی توانسته زمینه را برای نفوذ، ظرفیت‌سازی و در عین حال، گسترش قدرت نظامی و نرم ایران در منطقه با تأکید بر بحرین فراهم نماید.

ماهیت اعمال قدرت	کانون تمرکز	محورهای تقابل
قدرت نرم	حمایت از لغو برجام و تعلیق برنامه هسته‌ای ایران	ضدیت همه جانبه با برنامه هسته‌ای ایران
قدرت نرم	تلاش برای قطع صادرات نفت ایران و جبران کسری بازار نفت	همراهی با سیاست انرژی ترامپ
قدرت سخت	ایجاد ائتلاف عربی در یمن و تلاش برای ایجاد ناتوی عربی	ائتلاف‌سازی علیه ایران
قدرت سخت	حمله نظامی به مواضع انصارالله و شیعیان حوثی و تلاش برای محکومیت ایران در یمن در جامعه بین‌المللی	مقابله تمام عیار با ایران در یمن
قدرت نرم	تلاش برای اجرای معامله قرن	همکاری با اسرائیل
قدرت سخت	بهره‌گیری از جنگ‌های نیابتی در کشورهای عراق، سوریه، یمن و...	تقابل با تهران در کانون‌های بحران خاورمیانه

رویکرد عربستان در قبال دیپلماسی هوشمند دولت روحانی

نتیجه‌گیری

با توجه به تحولات قدرت در سطح جامعه جهانی در چند دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران نیز با پشت‌سر نهادن خوانش سخت و نرم از قدرت در دوره‌های پیشین، در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در سال‌های بعد از ۲۰۱۳ به سمت ارائه وضعیتی هوشمند از قدرت گرایش پیدا کرد. در این راستا بر اثرخوانش سخت از قدرت از یک سو، ایران در پرونده‌های مختلف منطقه همچنان بر بُعد آمریت یا قدرت



سخت تأکید داشت و در سطح دیگر، بُعد نرم و افزایش قدرت در سطح فرهنگی را مورد توجه قرار داد.

نمودهای بارز قدرت هوشمند ایران در منطقه را می‌توان در سیاست منطقه‌ای ایران پیرامون عراق، عربستان و اسرائیل مورد خوانش قرار داد. در عراق وجه اقناعی آن بر وجه آمریت برتری داشت. بدین شکل که روندهای نقش ایران در انتخابات‌ها و نیز انتخاب نخست‌وزیر در عراق نشان می‌دهد که دیگر نمی‌تواند به مانند سابق از افراد مورد تأیید خود بدون جلب نظر دیگر گروه‌های داخلی عراق، منطقه و بین‌المللی برای رسیدن به قدرت استفاده نماید و ناچار است از وجه اقناعی بیشتری به جای آمریت استفاده کند. در سوریه نیز ایران وجه قدرت سخت را در مقام اولیوی مهم‌تر همچنان حفظ کرده، اما در کنار این امر تهران برای اولین بار توانست نفوذ خود را از دل بحران سوریه و در دوران کنونی گسترش داده و به مدیترانه برساند. این به معنای توسعه نفوذ محور مقاومت هم بوده و در عین حال، ظرفیت‌سازی نوینی برای این محور، ذیل اقتدار و آمریت ایران بوده است. همچنین، ایران در نفوذ به مرزهای اسرائیل بسیار موفق بوده و ظرفیت لازم برای تداوم محور مقاومت را با حمایت از حزب‌الله و حماس ایجاد نموده است.

با توجه به ابعاد سیاست منطقه‌ای ایران در سطح قدرت هوشمند در سال‌های ریاست جمهوری حسن روحانی، واکنش عربستان سعودی در چند سطح قابل خوانش است. در سطح اول عربستان پس از روی کار آمدن دولت روحانی در سال ۲۰۱۳ وجه نرم قدرت ایران را مورد توجه قرار داد و بیشتر موضعی متعادل را در برابر ایران اتخاذ کرد. اما تحولات پس از اعدام ۴۷ نفر از شیعیان در شهرهای مختلف عربستان، به ویژه اعدام شیخ باقر نمرالنمر که منجر به آتش‌کشیده شدن سفارت عربستان در تهران شد، رویکرد ریاض در قبال ایران به سمت تقابل و مواجهه رودرو گرایش پیدا کرد.

در نتیجه عربستان در سطوح مختلف به تقابل با دیپلماسی هوشمند دولت روحانی پرداخت. از یک سو، سعودی‌ها تلاش کردند با افزایش تبلیغات و به‌کارگیری قدرت رسانه‌ای خود، قدرت نرم و وجه صلح‌طلبانه ایران در منطقه را مخدوش و تهران را عامل تمامی ناامنی‌های منطقه خاورمیانه جلوه دهند. در این سطح آن‌ها جنگ نیابتی با



ایران در سوریه، یمن، عراق و بحرین را در پیش گرفتند و دائماً نفوذ فرهنگی و نرم ایران در این کشورها را نماد دخالت در پایتخت‌های عربی تلقی کردند. در سطح تقابل ریاض با قدرت سخت در دیپلماسی هوشمند ایران، حاکمان سعودی مسیر همراهی کامل با سیاست‌های ضدایرانی دونالد ترامپ را در پیش گرفتند و حتی برای مهار قدرت و نفوذ ایران با حمایت دولت آمریکا، راهبرد ایجاد ناتوی عربی را در پیش گرفتند. حتی آن‌ها برای شکست قدرت سخت ایران در منطقه، با طرح معامله قرن پیشنهادی از سوی واشنگتن برای حل مسأله فلسطین همراهی کامل نشان دادند و در زمینه انرژی و تحریم‌ها علیه ایران، راهبرد همراهی همه‌جانبه را در پیش گرفتند.

منابع

- افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار و دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، تابستان.
- الوقت (۲۶ خرداد ۱۳۹۷)، سیاست نفتی ترامپ چگونه با چالش روبرو می‌شود؟ قابل دسترس در: <http://alwaght.com/fa/News/134678>
- پورحسن، ناصر (پاییز ۱۳۹۶)، تکوین عمق راهبردی هوشمند جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیستم، شماره هفتاد و نهم، پاییز.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر (۱۳۹۲)، تأثیر جهانی شدن فرهنگ بر جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۴، پاییز.
- خبرگزاری تابناک (۳۴ فروردین ۱۳۹۴)، خط و نشان‌های وزیر خارجه عربستان سعودی برای ایران، قابل دسترس در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/485553>
- خبرگزاری مهر (۹ مرداد ۱۳۹۷)، ناتوی عربی؛ ترامپ اعراب را به سوی جنگ عظیم سوق می‌دهد، قابل دسترس در: <https://www.mehrnews.com/news/4362368>

خرمشاد، محمدباقر و متقی، افشین (۱۳۹۵)، نقش انقلاب اسلامی در تقویت قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ششم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱، بهار.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و عطائی، مهدی (۱۳۹۳)، گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۶۳، بهار.

سازین، ویلادیمیر (۲۰۱۸/۰۳/۱۳)، آیا معامله قرن به از بین رفتن ایدئولوژی ضد صهیونیستی ایران منجر خواهد شد؟، خبرگزاری اسپوتنیک، قابل دسترس در:

<https://ir.sputniknews.com/politics/201803133389563>

سایت الف (۲۷ خرداد ۹۲)، اولین نشست خبری رئیس جمهور منتخب، قابل دسترس در: <http://old.alef.ir/vdcjyevxuqehzt.fsfu.html?190354>

سایت سازمان توسعه تجارت ایران: www.tpo.ir

سلیمی، آرمان و زرین‌نرگس، یحیی (۱۳۹۳)، «بحران داعش و سناریوهای پیش‌روی حکومت اقلیم کردستان عراق»، دو هفته‌نامه دیارکهن، شماره ۷۲، ۲۶ خرداد.

صادقی، سعید، عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۹۰)، بررسی عملکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق جدید، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۹۹.

عبداللهیان، امیر (۱۴ مرداد ۱۳۹۴)، ایران اولین کشور کمک‌کننده به دولت عراق و اقلیم کردستان در مقابله با داعش بود، خبرگزاری میزان، قابل دسترس در:

<http://www.shahrekhbar.com/political/1438785360536162>

عسگرخانی، ابومحمد و تقی، عبدالسلام (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۲، شماره ۳۷.

عنادی، مراد (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۱)، سنگ‌اندازی اسرائیل و عربستان در پرونده هسته‌ای ایران، خبرگزاری عصر ایران، قابل دسترس در:

<https://www.asriran.com/fa/news/211823>

فیروزکلانی، عبدالکریم (۱۳۹۴)، *تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن*، پژوهشگاه مطالعات منطقه‌ای، شماره ۷. کوهکن، علیرضا و تجری، سعید (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۴»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم، شماره ۱۰.

میرعمادی، سیدرضا (۲۸ تیر ۱۳۹۷)، *طرح معامله قرن؛ محورها، اهداف و بازیگران و پیامدها/ تحلیل (۱)*، *خبرگزاری پارس تودی*، قابل دسترس در:

http://parstoday.com/fa/middle_east-i142176

میرمحمدی (۲۸ آبان ۱۳۹۷)، *گذشته و آینده قیمت نفت/سیاست‌های ترامپ چقدر بر قیمت نفت تاثیرگذار است؟ تجارت نیوز*، قابل دسترس در:

<https://tejaratnews.com>

نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل*، ترجمه سید فخر روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم*، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

نجات، سیدعلی و دیگران (۱۳۹۵)، «*راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن*»، *فصلنامه مطالعات روابط بین الملل*، دوره نهم، شماره ۳۳. صص ۱۷۹-۱۳۷.

نیاکوئی، سیدامیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، «*بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها*»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال چهارم، شماره ۴.

ورنر، شارل (۱۳۶۰)، *حکمت یونان*، ترجمه برزگر نادرزاده، تهران: انتشارات زوار. یورونیوز (۲۰۱۸/۱۱/۱۳)، *قیمت نفت در سرازیری؛ فشار مضاعف ترامپ بر دولت*

ایران، قابل دسترس در:

<https://fa.euronews.com/2018/11/13/oil-price-decrease-us-sanctions-iran-cut-exports-incomes>

یورونیوز (۲۰۱۸/۱۱/۰۶)، *رزمایش مصر؛ آیا «ناتوی عربی» برای مقابله با ایران تشکیل می‌شود؟* قابل دسترس در:

<https://fa.euronews.com/2018/11/06/arab-military-exercises-in-egypt-amid-arab-nato-proposal>

یوسکه، تاکانو (۵ تیر ۱۳۹۸)، عربستان علیرغم هزینه‌های میلیاردی همچنان در برابر موشک‌های انصارالله بی دفاع است، دیپلماسی ایرانی، مترجم کیومرث واحدی، قابل دسترس در:

- Abdul-Zahra, Qassim und Vivian, Salama (2014), **Geheimnisvolle Figur Dieser General Treibt IS vor sich her**, at: http://www.t-online.de/nachrichten/ausland/krisen/id_71699822/iranischer-general-ghasem-soleimani-treibt-is-vor-sich-her.html
- Aljazeera (6 Jan 2016), **More countries back Saudi Arabia in Iran dispute**. From: <https://www.aljazeera.com/news/2016/01/nations-saudi-arabia-row-iran-160106125405507.html>
- Aluwaisheg, Abdel Aziz (October 01, 2018), Collective defense crucial to success of proposed Middle East Strategic Alliance, **Arab News**. From: <http://www.arabnews.com/node/1380756>
- Alvandi, Roham (2010), **Muhammad Reza Pahlavi and the Bahrain Question, 1968–1970**, British Journal of Middle Eastern Studies. 32 (2): 159–177.
- Bani Kamal, Abdol Moghset (2018), Uluslararası Politik Araştırmalar Dergisi, Volume 4, Issue 2, Pages 22 – 39.
- Basil, Yousuf; Abdelaziz, Salma and Pearson, Michael (2 January 2016), **Tehran protest after Saudi Arabia executes Shiite cleric**, CNN. From: <http://www.cnn.com/2016/01/02/middleeast/saudi-arabia-executes-dozens-terror/>
- Bozorgmehr, Najmeh (APRIL 16, 2016), Iran deploys army to bolster support for Syrian president, **The Financial Times**. Available at: <https://www.ft.com/content/1e8910d4-0194-11e6-99cb-83242733f755>
- Chmaytelli, Maher (APRIL 10, 2016), **Former Saddam aide seeks to reshape Iraq's Sunni insurgency**, Reuters. From: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-iraq-douri/former-saddam-aide-seeks-to-reshape-iraqs-sunni-insurgency-idUSKCN0X70L6>
- COOPER HELENE (2015), **U.S. Strategy in Iraq Increasingly Relies on Iran**, at: <https://www.nytimes.com/2015/03/06/world/middleeast/us-strategy-in-iraq-increasingly-relies-on-iran.html>
- Dedeoğlu, Beril (July 31, 2018), Does the Middle East need a new organization? **Daily Sabah**. From: <https://www.dailysabah.com/columns/beril-dedeoglu/2018/07/31/does-the-middle-east-need-a-new-organization>
- El Sirgany, Sarah (13 November 2017), Iran's actions may be 'act of war,' Saudi crown prince says, CNN. From: <https://edition.cnn.com/2017/11/07/middleeast/saudi-iran-aggression-yemen/index.html>

- Elias, Firas (JANUARY 8, 2019), Major Pillars of Iranian Public Diplomacy, Translated by Shaimaa Shedeed, New Iraq Center. From: <https://www.newiraqcenter.com/en/security/1768>
- Foizee, Bahauddin (20 December 2016), **Iranian Influence Gives Saudi Arabia Heartburn**, International Policy Digest. From: <https://intpolicydigest.org/2016/12/11/iranian-influence-gives-saudi-arabia-heartburn/>
- Friedman, Brandon (15 July 2016), **Battle for Bahrain: What One Uprising Meant for the Gulf States and Iran**, World Affairs. From: <http://www.worldaffairsjournal.org/article/battle-bahrain-what-one-uprising-meant-gulf-states-and-iran>
- Georgy, Michael; Aboulenein, Ahmed; Rasheed, Ahmed (22 March 2018), **in symbolic victory, Iran conquers Iraq's dates market**, Reuters. From: <https://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-iraq-iran-dates/in-symbolic-victory-iran-conquers-iraqs-dates-market-idUSKBN1GX111>
- Haddad, Fanar (10 August 2017), **Why a controversial Iraqi Shiite cleric visited Saudi Arabia**, The Washington Post. From: <https://www.washingtonpost.com/news/monkey-cage/wp/2017/08/10/why-a-controversial-iraqi-shiite-cleric-visited-saudi-arabia/?noredirect=on>
- Hafezi, Parisa; Charbonneau, Louis; Irish, John; Mohammed, Arshad (20 March 2018), **Iran deal reached, Obama hails step towards 'more hopeful world'**. Reuters. From: <https://www.reuters.com/article/us-iran-nuclear/iran-deal-reached-obama-hails-step-towards-more-hopeful-world-idUSKCN0PM0CE20150714>
- Harnden, Toby and Lamb, Christina (22 June 2017), **Saudis 'to get nuclear weapons'**, The Times. From: <https://www.thetimes.co.uk/article/saudis-to-get-nuclear-weapons-v85860g8bp3>
- Haynes, J, (2009), **Causes and Consequences of Transnational Religious Soft Power**, London Metropolitan University.
- Hinen, Games (2008), **Smart Power in the World**, New York.
- Hokayem, Emile El. (2007), **Hezbollah and Syria: Outgrowing the Proxy Relationship**, the Washington Quarterly, 30 (2). <http://asrdiplomacy.ir/51228>
- Ibish, Hussein (4 October 2017), **the Gulf Arab Countries and the Kurdish Referendum**, Stratfor. From: <https://worldview.stratfor.com/article/gulf-arab-countries-and-kurdish-referendum>
- International Crisis Group (10 June 2014). **The Huthis: From Saada to Sanaa**, available at: <http://www.crisisgroup.org/~/media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iran%20Gulf/Yemen/154-the-huthis-from-saada-to-sanaa.pdf>.
- Landler, Mark (8 May 2018), **Trump Withdraws U.S. From 'One-Sided' Iran Nuclear Deal**, the New York Times. From:

- <https://www.nytimes.com/2018/05/08/world/middleeast/trump-iran-nuclear-deal.html>
- Loveluck, Louisa (4 January 2016), **Iran supreme leader says Saudi faces 'divine revenge**, Telegraph. From: <https://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/saudi-arabia/12077919/Saudi-Arabia-beheadings-highest-in-two-decades.html>
- Mabon, Simon (13 July 2016), **after years of proxy war, Saudi Arabia and Iran are finally squaring up in the open**", The Independent. From: <https://www.independent.co.uk/voices/after-years-of-proxy-war-saudi-arabia-and-iran-are-finally-squaring-up-in-the-open-a6797001.html>
- MacAskill, Ewen and Traynor, Ian (22 June 2017), **Saudis consider nuclear bomb**, The Guardian. From: <https://www.theguardian.com/world/2003/sep/18/nuclear.saudi-arabia>
- Milani, Mohsen (22 June 2014), **Tehran Doubles Down**, Foreign Affairs. From: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2014-06-22/tehran-doubles-down>
- Morgenthau, Hans J (1973), **Politics among Nations: the Struggle for Power and Peace**, New York, Alfred A. Knopf, 6nd edition.
- Nasr, Vali (2006), **Rise Shiites the When**, Affairs Foreign, 1. Pp 4- 58.
- Nayef R. F. Al-Rodhan Graeme P. Herd and Lisa Watanabe (2011). **Critical Turning Points in the Middle East 1915–2015**, New York: Palgrave Macmillan. P.3.
- Nye, Joseph (2004), **Soft Power**, New York: Public Affairs.
- Nye, Joseph S., Jr (2006), Think Again: Soft Power, **Foreign Policy**, Vol. 26. Available: www.foreignpolicy.com
- O'Connor, Tom (24 November 2016), **Saudi Arabia vs. Iran: How Will Donald Trump Influence The Middle East Cold War?** International Business Times. From: <https://www.ibtimes.com/saudi-arabia-vs-iran-how-will-donald-trump-influence-middle-east-cold-war-2449937>
- Paraskova, Tsvetana (Nov 21, 2018), Trump Thanks Saudis For Lower Oil Prices, Wants Even Cheaper Crude, Oil Price. From: <https://oilprice.com/Energy/Oil-Prices/Trump-Thanks-Saudis-For-Lower-Oil-Prices-Wants-Even-Cheaper-Crude.html>
- Phillips, David L. (2015), **Task Force Report State-Building In Iraqi Kurdistan**, Institute for the Study of Human Rights, Columbia University, New York, NY 10027.
- Seeberg, P. (2012), **Syria and the EU. The crisis in Syria and the international sanctions with a focus on Syrian-EU relations**, VidenscenteromdetmoderneMellemøsten
- Shapira.S (1988), **the Origins of Hizballah**, In the Jerusalem Quarterly: No: 46.
- Wilson, Jeanne (2004), **Strategic Partners: Russia - Chines Relatins in the PostSoviet Era**, M. E. Sharp, Armonk New York
- <https://www.irna.ir/news/82361577>
- <https://www.irna.ir/news/82496775>
- <https://www.yjc.ir/fa/news/6660241>

<https://af.sputniknews.com/world/201812172956091>
<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ym.html>
http://www.islamicweb.com/beliefs/cults/shia_population.htm
www.bbc.com/persian/world/2015/02/150222_139_safavi_maleki_khamenei
<https://www.khabaronline.ir/news/41>



۲۶۶



یاست جهانی

فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره نهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹، پیاپی ۳۱